

علت ابزاری عادل شمردگی

آر. سی. اسپرول

خط مشی اصلاحات در عادل شمردگی به کرات در شعار sola fide خلاصه می‌شود که به معنای «تنها به وسیله‌ی ایمان» است. گزاره sola fide نمایانگر تعالیمی است که می‌گوید عادل شمردگی تنها به وسیله‌ی ایمان محقق می‌شود.

بر مبنای تاریخ، تعالیم کلیسای کاتولیک رومی نیز عادل شمردگی را به وسیله‌ی ایمان میسر می‌داند. می‌گویند ایمان، مرحله‌ی آغازین عادل شمردگی است. ایمان شالوده و ریشه‌ی عادل شمردگی ما است. روم به لزوم ایمان برای عادل شمردگی اصرار دارد. پس واژه‌ی fide در sola fide به وضوح توسط روم تأیید می‌شود. چیزی که روم تأیید نمی‌کند، قسمت sola است، زیرا با وجود آنکه ایمان، آغاز، شالوده و ریشه‌ی عادل شمردگی است، صرف حضور آن برای تحقق عادل شمردگی کافی نیست. باید چیزی در کنار ایمان وجود داشته باشد تا ما عادل شمرده شویم - شرطی لازم. شرط لازم چیزی است که باید وجود داشته باشد تا معلول یا پیامدی در پی آن آید، اما حضور آن به خودی خود تضمینی برای به وجود آمدن نتیجه نیست.

مثلاً، در شرایط عادی، حضور اکسیژن شرط لازم برای به وجود آمدن آتش است. اما از اقبال خوش ما، حضور اکسیژن به تنهایی برای به وجود آوردن آتش کافی نیست. اگر چنین بود، هر بار که هوا را تنفس می‌کردیم، آتش می‌گرفتیم. پس بین شرط لازم و شرط کافی، تمایز فائل هستیم. شرط کافی بی‌شک تضمین می‌کند که نتیجه حاصل خواهد شد.

با در نظر داشتن این تمایز، می‌توانیم تفاوت بین نگرش کاتولیک رومی و اصلاحات را نسبت به رابطه‌ی میان ایمان و عادل شمردگی ببینیم. در نگرش روم، ایمان شرطی لازم برای عادل شمردگی است، اما نه شرط کافی برای آن. در نگرش پروتستانی، ایمان نه تنها شرط لازم، بلکه شرط کافی برای عادل شمردگی است. یعنی، زمانی که به مسیح ایمان و اعتماد پیدا کنیم، خدا قطع به یقین ما را در نگاه او عادل شمرده اعلام می‌کند. نگرش اصلاحاتی، که نگرشی وابسته به کتاب مقدس است، بیان می‌کند که اگر ایمان حاضر باشد، عادل شمردگی نیز ناگزیر وجود دارد.

آنچه در نگرش اصلاحات غیر قابل تصور است، این است که می‌توانیم بدون عادل شمردگی، ایمان داشته باشیم. ما نمی‌توانیم بدون ایمان، عادل شمردگی داشته باشیم و نمی‌توانیم بدون عادل شمردگی، ایمان داشته باشیم. نگرش روم می‌گوید ما نمی‌توانیم بدون ایمان، عادل شمردگی داشته باشیم، اما می‌توانیم بدون عادل شمردگی، ایمان داشته باشیم. می‌توانیم ایمان خود را حفظ کنیم، اما مرتکب گناه کبیره‌ای شویم که فیض عادل شمردگی را نابود کند، به شکلی که به لعنت دچار شویم (اگر توبه شایسته‌ای

نکنیم). اما از نظر اصلاح‌گران، همین که فرد، تنها ایمانی حقیقی داشته باشد کافی است تا فیض بَرَد و وضعیت عادل شمردگی را برای خود حفظ کند.

در اعتراف‌نامه آمده است:

ایمان، بنا بر دریافت و قرارگرفتن در مسیح و عدالت او تنها ابزار عادل شمردگی است.

ابزار یعنی وسیله‌ای که برای رسیدن به هدف خاصی استفاده می‌شود. زمانی که تنظیم‌کنندگان اعتراف‌نامه وست‌مینستر نوشتند که ایمان تنها ابزار عادل شمردگی است، از مناقشه‌ی قرن شانزدهم بر سر علت ابزاری عادل شمردگی خبر داشتند. باید درک درستی از این خط مشی - علت ابزاری عادل شمردگی - داشت، زیرا به چگونگی نجات ما مربوط می‌شود.

اصطلاح علت ابزاری از نظر تاریخی به قرن چهارم پیش از میلاد مسیح، به فلسفه‌ی ارسطو بر می‌گردد. ارسطو به دنبال توضیح تحرک و تغییر بود. به همین منوال، سعی داشت علت‌های مختلفی را که در تغییر وضعیت یا حالت چیزی نقش داشتند، جداسازی کند. چه ارتباطی به مسئله‌ی ما در این مطلب دارد؟ ما ذاتاً عادل شمرده نیستیم. ناحق هستیم و موقعیت ما در پیشگاه خداوند این است که استحقاق غضب تمام‌عیار او را داریم. باید موقعیت خود را از وضعیت محکومیت به وضعیت عادل شمردگی درآوریم.

ارسطو چهار نوع علت را متمایز از هم برشمرد: علت صوری، علت فاعلی، علت غایی و علت مادی. علت ابزاری را ذکر نکرد. اما علت‌های چهارگانه او به پایه و اساس ایده‌ی علت ابزاری تبدیل شد.

او مجسمه‌ای را مثال زد که در آغاز به شکل توده‌ای از سنگ استخراج‌شده از معدن است. ارسطو توده‌ی سنگ را به عنوان علت مادی تعریف کرد، یعنی ماده‌ی اصلی سازنده‌ی یک چیز. علت صوری همان ایده‌ای است که در ذهن مجسمه‌ساز قرار دارد، یا طرح و نقشه‌ی او که نمایانگر شکلی است که می‌خواهد محصول نهایی داشته باشد. پیش از آنکه نتیجه‌ای حاصل شود، باید ایده‌ای وجود داشته باشد. علت فاعلی همان چیزی است که تغییر از سنگ به مجسمه را موجب می‌شود و در این مثال، منظور همان مجسمه‌ساز است. او همان شخصی است که به آن جامه‌ی عمل می‌پوشاند. علت غایی، هدف از ساختن آن چیز است و در این مثال، منظور زیباسازی باغچه است.

می‌توانیم ایده‌ی علت ابزاری را، که به معنای ابزاری است که به وسیله‌ی آن تغییر رخ می‌دهد، به این چهار علت اضافه کنیم. اگر مجسمه‌ساز می‌خواهد توده‌ی سنگ را به مجسمه تغییر دهد، باید سنگ را تراش دهد تا آن را شکل، صورت و صیقل دهد. قلم و چکش او ابزار هستند، ابزاری که به وسیله‌ی آنها تغییر، شکل داده می‌شود. در زبان انگلیسی، اغلب ابزار را با کلمات «به‌وسیله» و «از طریق» نشان می‌دهیم.

زمانی که اصلاح‌گران گفتند که عادل شمردگی به‌وسیله ایمان یا از طریق ایمان محقق می‌شود، تأیید کردند که وسیله یا ابزار عادل شمردگی ما ایمان، و تنها ایمان است. تنها ابزاری که نیاز داریم، تنها ابزاری که برای حرکت دادن ما از وضعیت محکومیت به وضعیت عادل شمردگی لازم است، ایمان است، اما ایمان تنها چیزی نیست که برای عادل شمرده شدن نیاز داریم. برای عادل شمرده شدن به مسیح نیز نیاز داریم. یعنی برای آنکه عادل شمرده شویم، به عدالت اعلائی او و به کفاره‌ی او بر روی صلیب نیاز داریم. تمام چیزی که خداوند برای محقق شدن معیار عادل شمردگی و عدالت او لازم می‌داند، به صورت عینی درون و از طریق عمل کامل کار مسیح برآورده می‌شود. او همه‌ی کارهای لازم را انجام داده است. کل مشاجره‌ی میان کاتولیک رومی و پروتستان بر سر عادل شمردگی، بیشتر از آنکه به عمل عینی مسیح مربوط باشد، به چگونگی دریافت منافع عمل او توسط ما برمی‌گردد. عمل عینی مسیح چگونه اقتضای باطنی پیدا می‌کند؟ پاسخی که اصلاح‌گران بر اساس تعلیم پولس رسول ارائه دادند این بود: «درون و از طریق، یا به‌وسیله و از طریق ایمان به تنهایی.» اما ایمان به تنهایی ما را نجات نمی‌دهد. زمانی که می‌گوییم عادل شمردگی به‌وسیله‌ی ایمان به‌تنهایی محقق می‌شود، در واقع می‌گوییم عادل شمردگی به‌وسیله و از طریق ایمان ما فقط به مسیح محقق می‌شود.

علت ابزاری عادل شمردگی بنابر تعلیم روم، غسل تعمید و توبه است. روم این آیین‌ها را ابزاری می‌داند که به‌وسیله و از طریق آنها فرد عادل شمرده می‌شود. تفاوت در میان آن نوع نجاتی است که کشیشانه حاصل می‌شود (یعنی از طریق اجرای آیین‌ها توسط کلیسا) و آن نوع نجاتی که از طریق ایمان به مسیح به‌تنهایی تجربه می‌شود. کل تفاوت در جهان همین است. اعتراف‌نامه می‌گوید که ایمان تنها ابزار عادل شمردگی است، زیرا فقط از راه ایمان است که در عدالت مسیح قرار می‌گیریم و آن را دریافت می‌کنیم. عدالت مسیح، مزایای کفاره‌ی او، شایستگی یا زمینه عینی عادل شمردگی ما، آزادانه به هر کسی که ایمان داشته باشد اعطا می‌شود. «عادل به ایمان زیست‌خواد نمود.» (رومیان ۱: ۱۷). ما نه به‌وسیله‌ی ایمان به‌علاوه اعمال نیکو، بلکه به‌وسیله‌ی ایمان به‌تنهایی عادل شمرده می‌شویم. تنها چیزی که برای ورود به قلمروی پادشاهی خداوند نیاز است، ایمان یا اعتماد به کار مسیح به‌تنهایی است.

ایمان، بستر عادل شمردگی ما نیست. بستر عادل شمردگی ما عدالت مسیح، شایستگی او است. اصلاح‌گران گفتند که علت افتخارآمیز عادل شمردگی ما، عدالت مسیح به‌تنهایی است. علت ابزاری عادل شمردگی ما ایمان است، اما زمانی که می‌گوییم به‌وسیله‌ی ایمان به‌تنهایی عادل شمرده شده‌ایم، منظورمان این نیست که ایمان عملی افتخارآمیز است که چیزی به‌زمینه‌ی عادل شمردگی ما اضافه می‌کند.

در عمل چه تفاوتی ایجاد می کند؟ افرادی وجود دارند که می گویند، به عادل شمردگی به وسیله ی ایمان به تنهایی اعتقاد دارند، اما به شکلی به ایمان خود اتکا می کنند که گویی عملی افتخارآمیز یا نیکو برای برآورده ساختن شروط عدالت خداوند انجام می دهند. اینکه شخصی از ایمان برخوردار باشد، هیچ شایستگی به او اضافه نمی کند. به وسیله ی نسبت دادن، شایستگی بی کران به او اضافه می کند، اما این شایستگی مسیح است که به او نسبت داده می شود. تنها به وسیله ی ایمان می توانیم شایستگی مسیح را دریافت کنیم و این هیچ افتخاری ندارد. تنها کسی که می تواند ما را نجات دهد مسیح است، و تنها راه دسترسی به او، راه ایمان است. ما در زندگی خود در چیز دیگری قرار نداریم به جز مسیح و عدالت او برای نجات ما.

این نوشته برگرفته شده از [حقایقی که اعتراف می کنیم](#) نوشته ی آر. سی. اسپرول می باشد. در کتاب [حقایقی که اعتراف می کنیم](#) که اکنون در یک جلد به کلی بازبینی و منتشر شده و قابل دسترس می باشد، دکتر اسپرول به خوانندگان این اعتقادنامه ی بی نظیر را معرفی کرده، و تفسیری از برداشتهای آن ارائه می دهد و آن ها را برای کاربردهای جدید در زندگی مدرن تبیین می کند. شما می توانید این کتاب با جلد سخت را امروز سفارش دهید.

دکتر آر. سی. اسپرول، بنیانگذار خدمات لیگونیر، اولین کشیش جهت موعظه و تعلیم در کلیسای سنت اندرو در سنفورد ایالت فلوریدا و اولین رئیس دانشگاه الهیات ریفورمیشن بایبل کالج بود. ایشان نویسنده ی بیش از یک صد جلد کتاب، از جمله قدوسیت خدا بوده است.

این مقاله در وبسایت [لیگونیر](#) منتشر شده است.